

نقش دلالت زمانی در تبیین کاربردهای حال التزامی در زبان فارسی معاصر

مونا ولی‌پور^۱

شفیع نعیمایی عالی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۳

چکیده

در این پژوهش در جست‌وجوی تبیینی یکدست برای تمامی کاربردهای حال التزامی در زبان فارسی معاصر، ابتدا با اتکا به پیکره‌ای با حدود ۳۰۰۰ جمله حال التزامی، استخراج و دسته‌بندی شده‌است. در جملات ساده و در بندهای موصولی، عامل التزامی‌ساز عموماً معنایی است. عامل التزامی‌ساز در بندهای متممی و بندهای قیدی، به ترتیب فعل جمله اصلی و حرف ربط است. در ادامه با استفاده از رویکرد کامری و تمایز سه‌شقی زمان گفتار، زمان رویداد و زمان مرجع نشان دادیم که حال التزامی دارای زمان نسبی (مقابل زمان مطلق) است. همچنین با اتخاذ رویکرد درزی و کواک در تبیین کاربردهای التزامی در بندهای متممی، به بررسی کاربردهای این وجه در جملات ساده و بندهای موصولی و قیدی جملات مرکب پرداخته‌ایم. نتیجه اینکه زمان مرجع در جملات ساده و بندهای موصولی برابر با زمان گفتار است؛ طوری که این افعال لزوماً به حال یا آینده اشاره دارند. در بندهای متممی فعل بند اصلی، زمان مرجع فعل التزامی است. زمان مرجع در بندهای قیدی بسته به نوع حرف ربط، ممکن است برابر با زمان گفتار یا زمان فعل اصلی باشد. چه زمان مرجع، برابر با زمان گفتار باشد و چه برابر با زمان فعل اصلی باشد، در هر صورت فعل التزامی دارای «زمان نسبی غیر گذشته» است.

واژگان کلیدی: وجه، زمان دستوری، التزامی، زمان نسبی، زمان مرجع

✉ m_valipour@sbu.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه علامه طباطبایی

۱- مقدمه

وجه^۱ مقوله‌ای صرفی- نحوی (دستوری) و معنایی است که دیدگاه گوینده درباره محتوای گزاره را بیان می‌کند و به‌طور کلی ناظر بر عدم قطعیت گزاره است. بیشتر زبان‌شناسان، از جمله پژوهشگران ایرانی بر این تعریف و تعریف‌های مشابه آن اجماع دارند (نک. اخلاقی، ۱۳۸۶: ۸۳؛ رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲: ۲۲؛ ایلخانی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳، متولیان، ۱۳۹۵: ۱۲۷). براساس تعریف پورتنر^۲ (۲۰۰۹: ۱) وجه پدیده‌ای زبانی است که دستور از طریق آن، امکان صحبت کردن درباره موقعیت‌هایی را فراهم می‌کند که ضرورتاً واقعی نیستند.

در دستورهای سنتی فارسی، وجه در مقام مقوله‌ای کلی و معنایی بررسی نشده‌است؛ بلکه صرفاً به بازنمود آن در ساختمان فعل، یعنی «وجه فعلی» اشاراتی شده‌است. وجه فعلی آن جنبه از وجه است که در ساخت‌واژه فعل و از طریق صرف آن نمودار می‌شود و یک مقوله دستوری است. وجه در این مفهوم، معادل اصطلاح انگلیسی mood است (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۸۳). اما در دو دهه اخیر عمده زبان‌شناسان یا دستورپژوهان به جنبه‌های دیگر مفهوم وجه، از جمله جنبه‌های معناشناختی نیز پرداخته‌اند.

به‌طور کلی، بر سر وجود سه وجه فعلی در فارسی اجماع وجود دارد^(۱): اخباری، التزامی و امری. فارغ از درستی و نادرستی قائل شدن به این انواع (نک. اکبری و ولی پور، ۱۳۹۵)، برآنیم که کاربردهای وجه فعلی التزامی را در فارسی معاصر بررسی کنیم. آنچه به‌طور سنتی زیرمجموعه وجه التزامی قرار می‌گیرد، دو ساخت حال التزامی و گذشته التزامی^(۲) است. این ساخت‌ها علاوه بر جمله‌های ساده، در جمله‌های مرکب نیز به کار می‌روند. تمرکز پژوهش حاضر روی کاربردهای حال التزامی - در جملات مثبت - است^(۳).

۲- مبانی نظری و مسأله پژوهش

رایشنباخ^۳ (۱۹۴۷) برای تعیین دلالت‌های زمانی به سه نقطه زمان گفتار^۴، زمان رویداد^۵ و زمان مرجع^۶ اشاره می‌کند. زمان ماهیتی اشاری^۷ دارد و موقعیت صحبت (زمان گفتار)، نقطه مرجع آن است. به عبارت دیگر، در همه زبان‌ها با اتکا به زمان گفتار، زمان به سه دسته

-
1. modality
 2. Portner
 3. Reichenbach
 4. speech time = S
 5. E = event time
 6. R = reference time
 7. deictic

گذشته و حال و آینده تقسیم می‌شود. برای مثال فعل «رفتم» نسبت به زمان گفتار «گذشته» تلقی می‌شود. کامری^۱ (۱۹۸۵: ۱۲۳-۱۲۴) این مسأله را چنین صورت‌بندی می‌کند.

گذشته	E قبل از S
حال	E هم‌زمان با S
آینده	E بعد از S

به گفته کامری، زمان مطلق^۲ زمانی است که برای تعیین آن صرفاً به دو نقطه زمان گفتار (S) و زمان رویداد (E) نیاز است، چراکه در زمان‌های مطلق، S و R یکسان‌اند. اما همیشه ملاک تعیین معنای زمانی افعال، زمان گفتار؛ نقطه اکنون، نیست یا مستقیماً نمی‌توان با ارجاع به زمان گفتار آن را تعیین کرد. به چنین زمان‌هایی، زمان نسبی^۳ گفته می‌شود که در برابر زمان مطلق قرار دارند. عبارت‌های وصفی در فارسی دارای زمان نسبی‌اند. در جمله «علی به خانه رفته ظرف‌ها را خواهد شست»، فعل «رفته» دارای زمان نسبی است چرا که زمان آن را نمی‌توان با مرجع قرار دادن زمان گفتار سنجید و باید به فعل بعدی، یعنی «خواهد شست» توجه کرد. صورت‌بندی زمان نسبی چنین است (همان: ۱۲۴-۱۲۵):

گذشته نسبی	E قبل از R
حال نسبی	E هم‌زمان با R
آینده نسبی	E بعد از R

درواقع، زمانی که نقطه مرجع اشاری‌اش زمان گفتار (نقطه اکنون) باشد زمان مطلق و آنچه نقطه مرجعش را بافت یا عنصر دیگری تعیین کند، زمان نسبی نام دارد. زمان فعل «حال اخباری» حال است و زمان فعل «حال التزامی» نیز حال است؛ اما حال اخباری را نمی‌توان در جملاتی به کار برد که به گذشته ارجاع دارند اما حال التزامی را می‌توان در چنین جملاتی به کار برد.
۱- در تولد پنج‌سالگی‌ام آرزو کردم معلم شوم.

تفاوت این دو نوع، در مطلق یا نسبی بودن زمان است. در واقع، حال اخباری همیشه هم‌زمان یا بعد از نقطه اکنون (S) است اما حال التزامی هم‌زمان یا بعد از نقطه‌ای است که پیشاپیش مشخص نیست (R). به سخن دیگر، زمان حال اخباری «غیرگذشته»^(۴) و مطلق

1. Comrie
2. absolute
3. relative

است و زمان حال التزامی «غیرگذشته» و نسبی است. هدف این پژوهش این است که نشان دهد با توجه به کاربردهای گسترده حال التزامی در زبان فارسی، نقطه R چیست و چگونه تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این مسئله است که آیا دلالت زمانی را می‌توان کاربرد اصلی فعل‌های التزامی در فارسی تلقی کرد و دلالت به آینده نسبی را که کاربرد اصلی حال التزامی در بندهای متممی است، به کل کاربردهای این فعل تعمیم داد یا خیر. آیدگی به‌طور بی‌نشان در نسبت با نقطه اکنون سنجیده و تعیین می‌شود؛ اما همیشه چنین نیست. به همین دلیل، بر فرض پاسخ مثبت به پرسش مذکور، باید نقطه مرجع دلالت زمانی را در ساخت‌های گوناگون تعیین کرد.

۳- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های نسبتاً متنوعی درباره وجه در زبان فارسی شده‌است (نک. طالقانی، ۲۰۰۸؛ اخلاقی، ۱۳۸۶؛ رحیمیان، ۱۳۹۰؛ عموزاده و رضایی، ۱۳۹۱؛ ایلخانی‌پور، ۱۳۹۴؛ توانگر و عموزاده، ۲۰۰۹ و ...). اما پژوهش‌هایی که وجه فعلی التزامی را بررسی کرده باشند محدودند و همین تعداد نیز صرفاً به کاربرد وجه التزامی در بندهای متممی پرداخته‌اند و به کاربرد این وجه در جملات ساده و بندهای قیدی یا موصولی توجهی نشده‌است.

طیب‌زاده (۱۳۸۵)، ظرفیت فعل را در فارسی در چارچوب دستور وابستگی بررسی کرده‌است. او هشت متمم برای فعل برشمرده که بند متممی یکی از آنهاست. در بندهای متممی او به دو مسأله توجه کرده‌است؛ وضعیت مطابقت بین فاعل بند اصلی و فاعل بند متممی و وضعیت فعل بند متممی از نظر التزامی یا اخباری بودن. بدین ترتیب وضعیت فعل بند متممی را براساس مشخصه «التزامی» در سه حالت +التزامی، -التزامی و ±التزامی و وضعیت فعل بند متممی را براساس مشخصه «مطابقت» (با فاعل بند پایه) در سه حالت +مطابقت، -مطابقت و ±مطابقت تعیین کرده‌است. وی برای هر کدام مثال‌هایی آورده‌است.

اخلاقی (۱۳۸۹) در چارچوب رویکرد نقشی-رده‌شناختی به بررسی متمم‌افزایی در زبان فارسی پرداخته‌است. به گفته اخلاقی، زبان فارسی نیز مانند بسیاری از زبان‌ها برای رمزگذاری بند متممی از دو راهکار هم‌ترازی/تنزل‌یافتگی^۱ استفاده می‌کند که این تقابل به صورت تقابل دو وجه اخباری و التزامی در صورت فعل بروز می‌یابد. در زمینه رمزگذاری مشارک‌ها^۲ نیز

1. balancing/deranking
2. participant coding

گرایش غالب زبان فارسی، حذف فاعل بند وابسته است. به عبارت دیگر، فعل در بند متممی یا هم‌تراز (اخباری) است یا تنزل‌یافته (التزامی) و فاعل بند وابسته هم ممکن است محذوف یا مذکور باشد و در اغلب موارد محذوف است. به گفته اخلاقی، پذیرفتن بند متممی، ویژگی فعل‌هایی با مفاهیم خاص است. چنین فرضی به معرفی فهرستی از طبقات معنایی فعل‌های متمم‌پذیر انجامیده است. اخلاقی با مبنا قرار دادن طبقه‌بندی Noonan^۱ (۱۹۸۵) فعل‌های متمم‌پذیر در زبان فارسی را در هفت طبقه دسته‌بندی می‌کند: فعل‌های وجهی، فعل‌های آرزویی، فعل‌های بهره‌کشی، فعل‌های ادراکی، فعل‌های آگاهی، فعل‌های نگرش گزاره‌ای و فعل‌های نقل‌قولی.

درزی و کواک (۲۰۱۵) با اشاره به نقش دلالت‌های زمانی در کاربرد حال التزامی در بندهای متممی فارسی، پرتو تازه‌ای به این پژوهش‌ها افکندند. آنها ابتدا بعضی کاربردهای حال التزامی را در زبان فارسی مرور می‌کنند. سپس اختصاصاً به بررسی کاربرد حال و گذشته التزامی در بندهای درونه‌ای (متممی) می‌پردازند. آنها به ترتیب ادله‌ای علیه فرضیه مبتنی بر تحقق‌یافتگی/نیافتگی^۲ و فرضیه مبتنی بر صدق و کذب^۳ برای تحلیل کاربرد وجه التزامی در زبان فارسی ذکر می‌کنند. در ادامه، با توجه به ویژگی‌های زمانی فعل بند متممی نسبت به فعل اصلی جمله نشان می‌دهند که فعل بند متممی - در واقع، فعلی که دارای وجه حال التزامی است - از نظر زمانی لزوماً هم‌زمان یا بعد از فعل اصلی است.

۲- رضا دوست داشت که علی دیروز/ امروز/ فردا بره اونجا.

در مثال (۲) چون فعل اصلی^(۵) گذشته است، فعل بند متممی هم‌زمان یا بعد از آن (گذشته، حال یا آینده) تعبیر می‌شود. به همین دلیل است که آوردن قیدهایی که دلالت بر هر کدام از این زمان‌های سه‌گانه کنند جایز است، اما اگر فعل اصلی را به حال تغییر دهیم، دیگر نمی‌توانیم از قیدی که دلالت بر گذشته می‌کند، در بند متممی استفاده کنیم.

۳- رضا دوست داره که علی *دیروز/ امروز/ فردا بره اونجا.

آنها در ادامه با اتکا به آرای هیرایوا^۴ (۲۰۰۱) و لاندان^۱ (۲۰۰۴)، به بررسی نحوی این ساخت در چارچوب دستور کمینه‌گرا می‌پردازند. همچنین با اشاره مختصری به کاربردهای گذشته

1. Noonan

2. ir/relais

3. non/veridicality

4. Hiraiwa

التزامی، دلالت زمانی آن را برعکس حال التزامی می‌دانند، یعنی هنگامی فعل بند متممی گذشته التزامی می‌شود که به رویدادی هم‌زمان یا قبل از فعل اصلی دلالت داشته باشد. به‌طور کلی، به‌زعم درزی و کواک (۲۰۱۵)، بهترین تحلیل از کاربرد حال و گذشته التزامی در بندهای متممی، بر پایه نسبت زمانی بین فعل اصلی و فعل بند پایه (التزامی) است. ناگفته نماند که ویژگی این تحلیل (از جمله تحلیل حاضر) یک‌سویه بودن است^(۶)، به عبارت دیگر، با دستاورد این پژوهش‌ها موارد حضور فعل التزامی تبیین می‌شود، اما درباره عدم کاربرد آن در مواضع دیگر سخنی گفته نمی‌شود^(۷).

رحیمیان و خرمائی (۱۳۹۸) با برشمردن کاربردهای وجه التزامی با ملاک‌های عمدتاً معنایی، آنها را به دو دسته سرنمونی و غیرسرنمونی تقسیم کرده و وجه مشترک آنها را معنای طرح‌واره‌ای عدم قطعیت دانسته‌اند.

۴- کاربردهای حال التزامی در زبان فارسی معاصر

گام اول در این پژوهش، تلاش برای استخراج و طبقه‌بندی تمامی کاربردهای وجه التزامی در زبان فارسی معاصر است^(۸). ابتدا پیکره‌ای از شش فیلم‌نامه^(۹) و شماره‌های ۳۲۶، ۳۴۵ و ۳۴۶ مجله موفقیت (تقفی، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) انتخاب شده‌است. فیلم‌نامه‌ها عبارت‌اند از: *مسافران* و *سگ‌کشی* اثر بهرام بیضایی (۱۳۷۳ و ۱۳۹۲)، *آواز گنجشک‌ها* اثر مجید مجیدی (۱۳۸۹)، *نسل سوخته* اثر رسول ملاقلی‌پور (۱۳۷۹)، *خانه دوست کجاست* اثر عباس کیارستمی (۱۳۶۸) و *هیس دخترها فریاد نمی‌زنند* اثر پوران درخشنده و میترا بهرامی (۱۳۹۳). از این پیکره، حدود ۳۰۰۰ جمله که در آنها حال التزامی به کار رفته، استخراج شده‌است. غیر از شواهد پیکره، برخی مثال‌ها از نگارندگان نقل شده که برای اطمینان از دستوری بودن آنها، نظر چند گویشور دیگر نیز پرسیده شده‌است^(۱۰).

حال التزامی هم در جملات ساده و هم در جملات مرکب به کار می‌رود. این وجه در جملات مرکب، ممکن است در بندهای موصولی، قیدی یا متممی به کار رود. بسامد حضور حال التزامی در بندهای متممی و قیدی بسیار بیشتر از بندهای موصولی و جملات ساده است. در پیکره ما، حدود ۸ درصد از کاربردهای حال التزامی در جملات ساده و حدود ۹۲ درصد در جملات مرکب بود. از این ۹۲ درصد، حدود ۶۲ درصد در بندهای متممی، حدود ۲۴ درصد در بندهای قیدی و تنها حدود ۶ درصد در بندهای موصولی به کار رفته بودند.

۴-۱- حال التزامی در جمله‌های ساده

فعل حال التزامی ممکن است در جملات ساده یا مرکب ظاهر شود. همان‌طور که پیکره نشان می‌دهد بسامد حضور فعل‌های حال التزامی در جمله‌های ساده کمتر از جملات مرکب است. در واقع، عامل التزامی‌ساز در بیشتر مواقع در قالب یکی از عناصر جمله مرکب مثل فعل اصلی یا حرف ربط ظاهر می‌شود. در جملات ساده، این عامل بیشتر معنایی است. در این جملات، اگر یکی از معانی آرزو، توصیه-همچنین امر یا هشدار- یا پرسش یا معانی نزدیک به آنها حاضر باشد، ممکن است فعل جمله در وجه التزامی ظاهر شود. بر همین اساس کاربردهای حال التزامی در جملات ساده به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. آرزویی؛ ۲. توصیه‌ای؛ ۳. پرسشی. واضح است که این تقسیم‌بندی معنایی است.

۴-۱-۱- آرزویی

در دسته «آرزویی»، گوینده جمله، دعا یا آرزو یا خواسته‌ای را مطرح می‌کند:

۴- های خانم ماهرخ، بشه که خودم تو جشنت لرگی برقصم (بم: ۲۰).

۵- خدا نیره رو از من نگیره (مو، ۳۴۶)(۱۲).

در جملاتی که با «کاش»، «ان‌شاءالله»، «الهی» و ... همراه می‌شوند، وجه التزامی با چنین معنایی همراه است^(۱۳):

۶- کاش خوشش بیاد (بم: ۲۰).

۷- ان‌شاءالله که براشون خبرهای دقیق‌تر و بهتری داشته باشیم (دب: ۱۲۰)

بعضی جملات قالبی و کلیشه‌ای نیز در این دسته قرار می‌گیرند که امروزه عمدتاً از معنای

واژگانی خود خالی شده‌اند^(۱۵).

۸- دستت درد نکنه (ما: ۳۹).

۹- خسته نباشی (ما: ۶۳).

۴-۱-۲- توصیه‌ای

در دسته‌بندی دوم، گوینده توصیه، دستور یا هشدار را در قالب حال التزامی بیان می‌کند. تفکیک مرز توصیه و دستور و هشدار گاهی ممکن نیست و به همین دلیل این سه معنا در یک طبقه گنجانده شده‌اند.

۱۰- نیاری بیرون (م: ۸۴).

۱۱- نفر بعدی بیاد^(۱۸) (ما: ۸۱).

نکته دیگر اینکه صورت امری فعل‌های مرکب پی‌بستی^(۱۹) -مثل یادم هست، حواسم هست و ...- همیشه به صورت التزامی ظاهر می‌شود. به‌طور کلی، فعل‌های مرکب پی‌بستی همواره به صیغه سوم شخص مفردند و هنگام امر نیز همین شخص و شمار حفظ می‌شود:

۱۲- یادت باشد هرکسی مثل تو این شانس را ندارد (مو، ۳۴۵).

۱۳- حواستان به انتخاب فیلم باشد (مو، ۳۴۶).

۴-۱-۳- پرسشی

دسته سوم از کاربردهای حال التزامی، مربوط به کاربرد این فعل در جملات ساده پرسشی‌اند. برای این دسته می‌توان به مثال‌های زیر اشاره کرد:

۱۴- لگن بذارم؟ تر و خشک کنم؟ غذا بدم؟ (م: ۳۸).

۱۵- یادگاریتو چی کارش کنم؟ (م: ۷۰).

۱۶- چرا یه بچه از پرورشگاه برنداریم؟ (بم: ۵۵).

۱۷- چگونه پدر و مادر خوبی بشویم؟ (مو، ۳۴۶).

البته پرسشی بودن یک جمله، شرط کافی برای التزامی شدن فعل آن نیست. تمایزاتی میان جملات پرسشی‌ای که در آنها فعل التزامی به کار می‌رود با جملاتی که در آنها فعل به صورت غیرالتزامی به کار می‌رود وجود دارد. برای مثال، جملات پرسشی‌ای را که در آنها فعل حال التزامی به کار رفته‌است، می‌توان با جملات امری پاسخ داد -برای مثال در پاسخ به «لگن بذارم؟»، می‌توان گفت «بله. بذار»- مگر اینکه در آنها پرسش‌واژه «چرا» به کار رفته باشد. البته با وجود پرسش‌واژه «چرا» باز هم می‌توان ابتدا فعل را به صورت امری تکرار کرد - برای مثال در پاسخ به «چرا یه بچه از پرورشگاه برنداریم؟»، می‌توان گفت «این کار رو نکنید چون...»-. در مواقعی که پرسش درباره/خطاب به اول شخص جمع یا سوم شخص مطرح می‌شود، از آنجا که تمایزی میان امر و حال التزامی در این صیغه‌ها وجود ندارد، همان صیغه‌های حال التزامی تکرار می‌شود:

۱۸- دعوت‌ها رو چه کنیم؟ (بم: ۴۱)، [پس بگیریم]

۴-۱-۴- دلالت زمانی حال التزامی در جملات ساده

در تمامی کاربردهای حال التزامی در جملات ساده، زمان مرجع (R) و زمان گفتار (S) یکسان هستند و فعل التزامی‌ای که در این جملات به کار می‌رود، لزوماً به حال یا آینده دلالت دارد^(۲۰). در جملات آرزویی، لزوماً درخواست وقوع رخدادی در زمان حال و آینده

مطرح است. در نوع دوم نیز، توصیه و امر و هشدار دربارهٔ رخدادی در همین بازهٔ زمانی است. در نوع سوم نیز، پرسش مطرح شده سؤالی دربارهٔ وضعیتی در حال یا آینده است. به همین دلیل است که اضافه کردن قیدهای گذشته به مثال‌های مذکور (۴ تا ۱۸) آنها را از حالت دستوری خارج می‌کند. برای نمونه صورت غیردستوری مثال‌های (۶) و (۱۱) مذکور است:

۱۹- *کاش دیروز خوشش بیاد.

۲۰- *دیروز نفر بعدی بیاد.

۴-۲- حال التزامی در جمله‌های مرکب

همان‌طور که اشاره شد کاربرد حال التزامی در جملات مرکب بسیار زیاد است. براساس تقسیم‌بندی دستوره‌های فارسی، جملهٔ مرکب به دو دستهٔ هم‌پایه و ناهم‌پایه تقسیم می‌شود. نوع اول، محصول هم‌پایگی دو یا چند بند مستقل با حروف ربط هم‌پایه‌سازند. در بررسی‌های نحوی، با هر کدام از این بندهای مستقل به مثابه یک جملهٔ ساده برخورد می‌شود. اما نوع دوم، از یک بند پایه و یک یا چند بند پیرو تشکیل می‌شود. در این نوع جملات، وابسته‌سازی صورت می‌گیرد. وابسته‌سازی فرایندی نحوی است که طی آن یک بند به عنصر یا بندی که در ساخت کلی جمله در سطح بالاتری قرار دارد، وابسته می‌شود. بندی که درون بند دیگر واقع می‌شود، بند وابسته یا پیرو نام دارد، و بندی که بند وابسته را در درون خود دارد، بند اصلی، مستقل یا پایه نامیده می‌شود (اخلاقی، ۱۳۸۹؛ راسخ‌مهند، ۱۳۹۳). بند پایه، مستقل و مانند یک جملهٔ ساده است، اما منظور از «حال التزامی در جملات مرکب»، کاربردهای آن در بندهای پیرو است. بند پیرو ممکن است متممی، قیدی یا موصولی باشد. بندهای متممی از موضوع‌های فعل (متمم‌های اجباری) آن هستند و حذف آنها موجب بدساختی جمله می‌شود. بندهای قیدی و موصولی، از جمله افزوده‌های جمله‌اند و حذف آنها (با ملاحظاتی) جمله را از حالت دستوری خارج نمی‌کند. در بندهای متممی، فعل اصلی و در بندهای قیدی حرف ربط عامل التزامی‌ساز تلقی می‌شوند. به نظر می‌رسد که در بندهای موصولی عامل التزامی‌ساز معنایی است. دربارهٔ هر کدام از این کاربردها به تفکیک سخن گفته خواهد شد.

۴-۲-۱- بندهای موصولی

بند موصولی یکی از وابسته‌های پسین اسم در گروه‌های اسمی است که هستهٔ گروه اسمی را توصیف می‌کند. همان‌طور که اشاره شد بسامد وجه التزامی در بندهای موصولی زیاد نیست.

۲۱- چرا به بچه از پرورشگاه ورنداریم؟ ... هر دختری که بشه اسمشو گذاشت مهتاب! (بم: ۵۵)

۲۲- بین این مردها کسی هست که بشناسیدش، خانم؟ (دب: ۷۱)

۲۳- کریم... به دنبال جایی است که میخ را بکوبد (ما: ۳۶).

۲۴- هر مدیری که اشتباهش را تکرار کند دیگر مدیر نیست (مو: ۳۴۶).

در تمامی کاربردهای حال التزامی در بندهای موصولی نیز زمان مرجع (R)، همان زمان گفتار (S) است و فعل التزامی‌ای که در این جملات به کار می‌رود، لزوماً به حال یا آینده دلالت دارد.

۴-۲-۲- بندهای متممی

در سنت دستورنویسی رایج بوده‌است که بندهای متممی را جانشین گروه‌های اسمی‌ای در نقش‌های دیگر، از جمله فاعل و مفعول، دانسته‌اند (نک. خانلری، ۱۳۷۷: ۲۵۳؛ صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۸: ۵۶ و ۵۷؛ لازار، ۱۳۸۴). در پژوهش‌های زبان‌شناختی هم بعضاً چنین رویکردهایی مشاهده می‌شود. برای مثال گیون^۱ (۲۰۰۱) بند متممی را بندی می‌داند که عمدتاً نقش فاعل یا مفعول بند دیگری را ایفا کند (برای نقد این نظر نک. طیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۳).

بندهای متممی فاعلی به منزله فاعل برای فعل اصلی هستند (نک. گیون، ۲۰۰۱). فعل‌هایی مثل «احتمال داشتن»، «بعید بودن»، «بنا بودن»، «بهتر بودن»، «توصیه شدن»، «قرار بودن»، «کافی بودن»، «لازم بودن» و ... بند متممی فاعلی می‌پذیرند^(۲۱). بندهای متممی مفعولی نیز بندهایی هستند که به منزله مفعول برای فعل اصلی‌اند. برای نمونه، در مثال (۲۵) «که جلوی تریاک زانو بزنم» بند متممی فاعلی و در حکم فاعل برای فعل «زود بودن» است و در مثال (۲۶) «چهره ستاره را ببیند»، بند متممی مفعولی و در حکم مفعول برای فعل «خواستن» است.

۲۵- زوده که جلوی تریاک زانو بزنم (م: ۱۹).

۲۶- می‌خواهد چهره ستاره را ببیند (م: ۲۶).

بسامد کاربرد حال التزامی در بندهای متممی بسیار زیاد است. معمولاً افعالی که متعلق به طبقه‌های معنایی خاصی هستند، در بند متممی‌شان فعل به صورت التزامی ظاهر می‌شود، برای نمونه می‌توان به این دسته‌ها اشاره کرد: فعل‌های وجهی درخواستی مثل «ممکن بودن»، فعل‌های وجهی توانمندی مثل «عرضه داشتن»، فعل‌های آرزویی مثل «امیدوار بودن» و فعل‌های بهره‌کشی مثل «مجبور کردن» (اخلاقی، ۱۳۸۹). بعضی از فعل‌ها هم بند

1. Givon

متممی‌شان ضرورتاً غیرالتزامی است مثل «ادعا کردن»، «بدیهی بودن»، «ثابت کردن» و درزی و کواک (۲۰۱۵) به تفصیل به کاربردهای حال التزامی در بندهای متممی پرداخته‌اند و به درستی نشان داده‌اند که فعل التزامی در بند متممی از نظر زمانی لزوماً هم‌زمان یا بعد از فعل اصلی است. به عبارت دیگر، مرجع زمانی (R) در این بندها، زمان فعل اصلی است. بدین ترتیب، اگر فعل اصلی گذشته باشد، زمان فعل التزامی ممکن است به صورت گذشته، حال یا آینده تعبیر شود. به همین دلیل است که در مثال (۲) که ذیلاً در شماره (۲۷) تکرار می‌گردد، آوردن قیدی که بر گذشته، حال یا آینده دلالت کند صحیح است ولی در مثال (۳) که در شماره (۲۸) تکرار می‌شود و در آن زمان فعل اصلی به حال تغییر کرده، آوردن قیدی که دلالت بر گذشته کند، جمله را بدساخت می‌کند.

۲۷- رضا دوست داشت که علی دیروز/ امروز/ فردا بره اونجا.

۲۸- رضا دوست داره که علی*دیروز/ امروز/ فردا بره اونجا.

۴-۲-۳- بندهای قیدی

در بعضی از منابع (نک. ابراهیمی، ۱۳۸۸ و جعفری، ۱۳۹۰) حروف ربط به طبقه‌های معنایی مختلفی تقسیم شده‌است. این حروف عمدتاً حروفی هستند که در بندهای قیدی به کار می‌روند. به همین ترتیب می‌توان بندهای قیدی را براساس حروف ربطی که در جمله پیرو ذکر می‌شوند، به دسته‌های مختلف معنایی تقسیم کرد. این دسته‌ها عبارت‌اند از بندهای قیدی زمان، علت، هدف، تقابل، افزایش، استثنا، سلبی، شرط، جانشینی و فعل در بعضی از این بندها مثل بند هدف، جانشینی و سلبی، لزوماً به وجه التزامی ظاهر می‌شود. در بعضی دیگر مثل بندهای شرط، گاهی به صورت التزامی و گاهی به صورت غیرالتزامی ظاهر می‌شود و در بعضی بندها مثل بندهای علت، فعل به وجه التزامی در نمی‌آید. در این پژوهش به بررسی دو دسته نخست می‌پردازیم. به عبارت دیگر، بندهایی را بررسی می‌کنیم که احتمال حضور فعل التزامی در آنها هست.

در این بخش، ابتدا با اتکا به ملاک‌های معنایی، این بندها تقسیم‌بندی می‌شوند و ذیل هر دسته، وضعیت این بندها از نظر دلالت زمانی بررسی می‌شود. در تمامی این بندها، زمان در بند قیدی نسبی است و مرجع زمانی (R) برای تعیین آن، بسته به نوع بند قیدی یا «زمان فعل اصلی» است یا «زمان گفتار». در هر دو صورت، زمان فعل التزامی هم‌زمان یا بعد از این دو نقطه است.

اگر زمان گفتار مرجع زمانی باشد، فعل التزامی لزوماً به حال -هم‌زمان با زمان گفتار- یا آینده -بعد از زمان گفتار- دلالت دارد. برای اثبات این مدعا، تمامی شواهد پیکره را بررسی کرده‌ایم. اگر این ادعا درست باشد، آوردن قیدهایی که دلالت به گذشته می‌کنند، چنین جملاتی را باید بدساخت کند و دقیقاً نیز چنین است.

اگر زمان فعل اصلی مرجع زمانی باشد، بسته به اینکه فعل اصلی دارای چه زمانی است، وضعیت دلالت زمانی فعل التزامی نیز مشخص می‌شود. بدین ترتیب، اگر فعل اصلی گذشته باشد، فعل التزامی ممکن است به گذشته، حال یا آینده تعبیر گردد. اگر فعل اصلی حال باشد، فعل التزامی به حال یا آینده دلالت می‌کند. و اگر فعل اصلی آینده باشد، فعل التزامی به زمانی پس از آن دلالت خواهد داشت. در ادامه، به بررسی دسته‌های مختلف حروف ربط با شواهد مختلف می‌پردازیم^(۳۲).

۴-۲-۳-۱- بندهای قیدی زمان

در بندهای قیدی‌ای که در آنها حرف ربط «تا وقتی که» -یا مترادفات آن- به کار می‌رود، فعل ممکن است به صورت التزامی ظاهر شود. در این حالت، مرجع زمانی برای تعیین دلالت زمانی فعل التزامی، فعل اصلی است. در مثال (۳۰) قید «دیروز» نشان می‌دهد که مرجع زمانی فعل التزامی نمی‌تواند زمان حال باشد.

۲۹- تا^(۳۲) بیست تا ضامن از کسی نگیرین، واسه شاگرد باغبونی هم استخدامش نمی‌کنن (دب: ۱۱۱).

۳۰- دیروز تا وقتی زنداداشم برسه، از بردارزادهام نگهداری کردم.

فعل در بندهای قیدی‌ای که در آنها حرف ربط «قبل از اینکه» -یا مترادفات آن- به کار می‌رود، لزوماً با وجه التزامی همراه می‌شود و مرجع تعیین دلالت زمانی آن، فعل اصلی است. در واقع، بند پایه -و فعل اصلی- بیانگر زمان ارجاع کل جمله است و حرف ربط تقدم زمانی بند پایه -و فعل اصلی- را نسبت به زمان بند پیرو می‌رساند و به همین دلیل فعل به صورت التزامی در می‌آید.

مثال (۳۳) نشان می‌دهد که نمی‌توان مرجع زمانی را زمان حال در نظر گرفت.

۳۱- قبل از آنکه راه بیفتد، تلفن زنگی می‌زند (دب: ۱۳۶).

۳۲- قبل از اینکه بچه‌ها به آنجا برسند، میوه‌های گندیده و فاسد را در آب می‌ریزد (ما: ۱۱۷).

۳۳- قبل از اینکه وارد قصه موفقیت‌ها و ناموفقیت‌های متعدد بهروز فروتن بشویم، در همان ابتدای

گفت‌وگو، فروتن بحث را به این سمت برد (مو، ۳۴۵).

فعل بندهایی که در آنها «بعد از اینکه» - یا مترادفات آن - به کار می‌رود، ممکن است به وجه التزامی باشد. در این حالت مرجع زمانی فعل بند التزامی زمان گفتار است، چراکه آوردن قیدهایی که بر گذشته دلالت کنند موجب بدساختی این جملات می‌شود:

۳۴- بعد از اینکه گزارش ارسال شود، شایعه‌پراکنی‌ها آغاز می‌گردد.

۳۵- *دیروز بعد از اینکه گزارش ارسال شود، شایعه‌پراکنی‌ها آغاز شد.

فعل در بندهای قیدی‌ای که در آنها «وقتی (که)» و «به محض اینکه» - یا مترادفات آنها - به کار می‌رود، ممکن است به صورت التزامی ظاهر شود. در این صورت، مرجع زمانی فعل بند التزامی، زمان گفتار است، به این معنی که فعل التزامی لزوماً به انجام عملی در حال یا آینده اشاره دارد.

۳۶- وقتی سطح اندورفین در بدن بالا برود، احساس نگرانی کاهش می‌یابد (مو، ۳۴۶).

۳۷- وقتی عید برسد، همه کارها انجام شده و چیزی از قلم نیفتاده‌است (مو، ۳۴۵).

۳۸- احساسات و هیجانات به محض اینکه به حرف دلشان گوش داده شود و عامل به وجود آورنده آنها شناسایی و توجیه شود، مثل شعله آتش زبانه می‌کشند و به سرعت محو می‌شوند (مو، ۳۲۶).

۳۹- خوبی سواد عاطفی این است که به محض اینکه در فردی ظاهر شود، بلافاصله روی بقیه اطرافیانش هم تأثیر می‌گذارد (مو، ۳۴۶).

۴-۲-۳-۲- بند‌های قیدی هدف^(۲۴)

بندهای پیروی که در آنها حرف ربط «برای اینکه» - یا مترادفات آن - به کار می‌رود، لزوماً با فعل التزامی می‌آید^(۲۵). در این جملات مرجع زمانی تعیین دلالت زمانی بند پیروی، فعل اصلی است. در مثال‌های (۴۱) تا (۴۳) می‌توان دید که رویداد بند پیروی متعاقب رویداد بند پایه است و بند پایه یا هر دو ممکن است در گذشته روی داده باشد. درزی و کواک (۲۰۱۵: ۷) نیز به این نکته درباره بند‌های هدف اشاره کرده‌اند.

۴۰- سرک می‌کشد تا اتاق را زیر نظر بگیرد (م: ۱۸).

۴۱- یه امروز تو زندگی فقط در بستن سوار کردم که بدهی فردامو صاف کنم (م: ۷۴).

۴۲- قبل از عید رفتی تا ازش بخوای که ... (دب: ۸).

۴۳- تو فرزندت را به این مدرسه نیاوردی که چیزی به دست آورد (مو، ۳۴۶).

۴-۳-۲-۴- بند‌های قیدی سلبی و جانیشینی

بندهای پیروی که در آنها حرف ربط «بدون اینکه» و مترادفات آن به کار می‌رود، بندهای سلبی نام دارند. این بندها همیشه با فعل التزامی همراه می‌شوند. در این بندها نیز فعل اصلی،

تعیین‌کننده مرجع زمانی فعل التزامی است، مثال‌های (۴۵) و (۴۶) که فعل پایه آنها گذشته است نشان می‌دهد که مرجع زمانی فعل التزامی نمی‌تواند حال باشد. اضافه کردن قیدی که بر زمان حال یا آینده دلالت کند نیز این جملات را بدساخت می‌کند (تقابل مثال ۴۶ و ۴۷):

۴۴- مرد همین‌طور بدون آنکه پولی بدهد راهش را ادامه می‌دهد (ما: ۵۸).

۴۵- یعنی بدون اینکه هیچ مسئله و کینه‌ای بین شما باشه، راه افتادین رفتین (دب: ۸۸).

۴۶- بی‌آنکه لحنش سرزنش‌بار باشد، از سر سوز دل و با صدایی بغض‌آلود، به او گفت ... (مو، ۳۴۶).

۴۷- بی‌آنکه امروز فردا لحنش سرزنش‌بار باشد، از سر سوز دل و با صدایی بغض‌آلود، به او گفت ...

در بندهای جانشینی هم وضع به همین منوال است. فعل در این بندها همیشه التزامی است و فعل اصلی، تعیین‌کننده مرجع زمانی فعل التزامی است. به همین دلیل، مثال (۵۰) را که بر گذشته دلالت دارد، نمی‌توان با قیدهایی که بر حال یا آینده دلالت می‌کنند همراه کرد.

۴۸- به جای اینکه از مطلب اصلی حرف بزنید مرتباً دچار فرافکنی خواهید شد (مو، ۳۴۶).

۴۹- اگر عقل‌الآنم را داشتیم، به جای اینکه با چشم بسته ازدواج کنم، با فکر و تدبیر و پرس‌وجو، فرد

مناسب‌تری را برای همسری انتخاب می‌کردم ... (مو، ۳۴۶).

۵۰- به جای اینکه به خانه مادربزرگم بروم، با دوستانم فیلم دیدم.

۵۱- فردا به جای اینکه به خانه مادربزرگم بروم، با دوستانم فیلم دیدم.

جملاتی که دارای بندهای قیدی سلبی یا جانشینی‌اند، به رویدادی اشاره می‌کنند که قبل از عمل دیگری یا به جای عمل دیگری رخ نداده‌است. در مثال (۴۴)، پول دادن باید قبل از راه افتادن اتفاق می‌افتاد اما چنین نشده‌است. به عبارت دیگر، اگر قرار بر رخ دادن عمل مذکور هم باشد، هم‌زمان یا بعد از فعل اصلی رخ می‌دهد. به همین دلیل، در جملات دارای بندهای قیدی سلبی و جانشینی نیز مانند تمام بندهایی که مرجع زمانی فعل التزامی، فعل اصلی است، فعل بند پیرو لزوماً هم‌زمان یا بعد از فعل اصلی رخ می‌دهد.

۴-۳-۲-۴- بندهای قیدی وضعیتی

در منابع پیشین به وجود بندهای قیدی وضعیتی اشاره‌ای نشده‌است. این بندها عمدتاً با حرفی چون «به‌طوری که»، «به‌حالتی که» و مترادفات آنها همراه می‌شوند و عمدتاً فعل در این بندها به شکل التزامی ظاهر می‌شود. در این صورت، مرجع زمانی فعل التزامی، فعل اصلی است. مثال (۵۴) مؤید این مطلب است.

۵۲- در را با احتیاط و آهسته طوری که کسی متوجه نشود، باز می‌کند (ما: ۲۵).

۵۳- بالش‌های زیر سرش را طوری بالا آورده‌اند که کریم کمی سرش بالاتر از حالت درازکش باشد (ما: ۱۰۴).

۵۴- عضو شوخ گروه این گوی را تکان داد و کنار اجاق، طوری که همه ببینند گذاشت (مو، ۳۴۶).

۴-۲-۳-۵- بندهای قیدی شرطی و تسویه

«اگر»، «چنانچه»، «در صورتی که»، «مگر اینکه» و مترادفات آنها حروف ربطی هستند که معمولاً در بندهای قیدی شرطی به کار می‌روند. گاهی نیز این بندها فاقد حرف ربط آشکارند (مثال ۵۷). فعل‌های مختلفی با زمان‌ها و ساختارهای متنوع می‌توانند در بندهای شرطی ظاهر شوند، اما پربسامدترین فعلی که در بندهای شرطی به‌طور کلی به کار می‌رود، حال التزامی است که مرجع تعیین دلالت زمانی آن زمان گفتار است (نیز نک. عابدی و ولی‌پور، ۱۳۹۷). به سخن دیگر، بندهای شرطی‌ای که فعلشان به صورت حال التزامی به کار می‌رود، لزوماً به نقطه‌ای هم‌زمان یا متعاقب زمان گفتار (حال یا آینده) اشاره دارند:

۵۵- اگه اجازه بدین من برم (م: ۳۷).

۵۶- اگه نیای زندگی اون بچه تلف می‌شه (بم: ۴۸).

۵۷- ماهی بفروشیم میلیونر می‌شیم (ما: ۱۷).

۵۸- اگر در روز دیده شود تأثیرگذاری‌اش فرق می‌کند (مو، ۳۴۵).

بندهای تسویه که عموماً با حرف ربط «چه ... چه ...» همراه‌اند، وضعیتی مشابه با بندهای قیدی شرطی دارند و از نظر معنایی هم به بندهای شرط بسیار نزدیک‌اند، کما اینکه به جای «چه ... چه ...» عمدتاً می‌توان از «اگر ... اگر ...» استفاده کرد.

۵۹- چه این رویکرد را علم تأیید کند، چه نکند، این مسائل کاملاً شخصی است (مو، ۳۴۶).

۶۰- ... شما چه بخواهید و چه نخواهید درگیر می‌شوید (مو، ۳۴۵).

۵- نتیجه‌گیری

وجه التزامی یکی از انواع سه‌گانه اخباری و التزامی و امری وجه فعلی در زبان فارسی است که در دو ساخت حال التزامی و گذشته التزامی (حال کامل التزامی) بروز دارد. از آنجا که هیچ‌کدام از منابع به دسته‌بندی و احصای تمامی کاربردهای حال التزامی نپرداخته‌اند، در این پژوهش ابتدا با تمرکز روی کاربردهای حال التزامی و با اتکا به پیکره‌ای با حدود ۳۰۰۰ جمله حال التزامی، تمامی کاربردهای حال التزامی استخراج و دسته‌بندی شده‌است. براساس نتایج این پژوهش، حال التزامی هم در جملات ساده و هم در بندهای موصولی و قیدی و متممی جمله‌های مرکب به کار می‌رود. جملات ساده با وجه التزامی را از نظر معنایی می‌توان به سه دسته جملات آرزویی، توصیه‌ای و پرسشی تقسیم کرد. در این جملات، عامل التزامی‌ساز عموماً معنایی است اما در بندهای متممی و بندهای قیدی، به ترتیب فعل جمله اصلی و حرف ربط عامل التزامی‌ساز تلقی می‌شود. همچنین بندهای قیدی‌ای که در آنها فعل التزامی به کار

می‌رود، براساس ویژگی‌های معنایی حروف ربطشان به دسته‌های مختلفی چون بندهای قیدی زمان، هدف، سلبی، جانشینی، وضعیتی، شرطی و تسویه تقسیم شده‌اند.

در ادامه، با استفاده از رویکرد کامری (۱۹۸۵) و تمایز سه‌شقی بین زمان گفتار (S)، زمان رویداد (E) و زمان مرجع (R) (رایش‌ناخ، ۱۹۴۷) نشان دادیم که حال التزامی دارای زمان نسبی -در برابر زمان مطلق- است. همچنین با اتخاذ رویکردی مشابه رویکرد درزی و کواک (۲۰۱۵) در تبیین کاربردهای حال التزامی در بندهای متممی، به بررسی کاربردهای این وجه در جملات ساده و بندهای موصولی و قیدی جملات مرکب پرداخته‌ایم. در واقع، زمانی که نقطه مرجع اشاری‌اش زمان گفتار (نقطه اکنون) باشد زمان مطلق و آنچه نقطه مرجعش را بافت یا عنصر دیگری تعیین کند، زمان نسبی نام دارد. نتیجه اینکه زمان مرجع (R) در جملات ساده و بندهای موصولی برابر با زمان گفتار (S) است؛ طوری که این افعال لزوماً به حال یا آینده اشاره دارند. در بندهای متممی فعل بند اصلی، زمان مرجع (R) فعل التزامی است. زمان مرجع (R) در بندهای قیدی بسته به نوع حرف ربط، ممکن است برابر با زمان گفتار (S) یا زمان فعل اصلی باشد. چه زمان مرجع (R)، برابر با زمان گفتار باشد و چه برابر با زمان فعل اصلی، فعل التزامی دارای «زمان نسبی غیرگذشته» است. به عبارت دیگر، نسبت به نقطه R به حال یا آینده (غیرگذشته) دلالت دارد.

پی‌نوشت

۱. با بررسی تاریخ دستورنویسی فارسی روند تغییر دیدگاه دستورنویسان را تا رسیدن به این اجماع به طور کلی می‌توان پی گرفت. عمده دستورنویسان سنتی درباره تعداد وجه‌های فعلی در فارسی اتفاق نظر ندارند (نک. حبیب اصفهانی ۱۲۸۹ق: ۶۸؛ قریب، ۱۳۳۸: ۱۱۵-۱۱۸؛ قریب و همکاران، ۱۳۵۵، ج ۲: ۳۵-۳۷؛ دائی‌جواد، ۱۳۴۰: ۴۷-۴۹؛ دبیرسیاقی، ۱۳۴۵: ۳۶-۴۰؛ ذوالنور، ۱۳۴۸: ۱۸۰-۱۸۳؛ مشکور، ۱۳۵۳: ۹۶-۹۸؛ طالقانی، ۱۳۵۲: ۴۵-۴۹؛ فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۰ و ۳۸۱)، اما رفته‌رفته، به‌ویژه در آثار متأخران - علی‌الخصوص دستورنویسانی که با زبان‌شناسی آشنا بودند- اجماعی صورت گرفت و عمده دستورهای متأخر وجه فعلی را به سه دسته تقسیم می‌کنند (خیامپور، ۱۳۴۷: ۸۱؛ باطنی، ۱۳۴۸: ۱۳۲؛ صادقی و ارزنگ، ۱۳۵۸: ۳۸ و ۳۹؛ شفائی، ۱۳۶۳: ۸۸؛ احمدی گیوی و انوری، ۱۳۷۹: ۵۵ و ۵۴؛ وحیدیان و عمرانی، ۱۳۸۷: ۵۳؛ حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۰).

۲. اطلاق «گذشته التزامی» به این ساخت صرفاً به دلیل پیروی از سنت گذشتگان است. عنوان درست و دقیق‌تر این ساخت «حال کامل التزامی» است. این امر با قیاس گذشته نقلی (حال کامل) و گذشته التزامی (حال کامل التزامی) بهتر مشخص می‌گردد. برای مثال با آمدن

یک قید وجهی که دلالت بر عدم قطعیت می‌کند، وجه فعل در جمله «علی به شیراز رفته است» به التزامی تغییر می‌یابد: «شاید علی به شیراز رفته باشد». به عبارت دیگر، تفاوت این دو فعل یعنی «رفته است» و «رفته باشد» صرفاً در وجه است. درزی و کواک (۲۰۱۵: ۱۰) نیز از اصطلاح «present perfect subjunctive» استفاده کرده‌اند.

۳. این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «شناسایی و تبیین کاربردهای وجه التزامی در زبان فارسی» در دانشگاه شهید بهشتی است.

۴. چراکه حال اخباری به حال یا آینده دلالت می‌کند ولی برای دلالت به گذشته به کار نمی‌رود.

۵. منظور از فعل اصلی در این پژوهش، فعل بند اصلی (پایه) است.

۶. از آنجایی که طبق نتایج این پژوهش، حال التزامی در جملات ساده و همچنین در تمامی بندهای سازنده جملات مرکب، کاربرد دارد و از پیکره برای این موارد مثال‌هایی هست، می‌توان ادعا کرد که کل کاربردهای این فعل احصا گردیده‌است.

۷. برای مثال نمی‌توان توجیه کرد که چرا فعل «حدس زدن» در مثال‌های زیر که از نظر دلالت زمانی یکسان به نظر می‌رسند، هم با وجه اخباری به کار می‌رود و هم با وجه التزامی؛ «حدس می‌زنم علی بره اونجا» و «حدس می‌زنم علی می‌ره اونجا». احتمالاً به همین دلیل بسیاری از زبان‌شناسان سعی می‌کنند کاربردهای وجه التزامی را با درجه قطعیت گزاره و نوع نگرش گوینده به گزاره یا طبقه‌بندی معنایی فعل‌ها تبیین کنند. هرچند چنین تبیین‌هایی نیز الزاماً به پیش‌بینی‌های درستی منجر نمی‌شوند.

۸. از آنجایی که طبق نتایج این پژوهش، حال التزامی در جملات ساده و همچنین در تمامی بندهای سازنده جملات مرکب، کاربرد دارد و از پیکره برای این موارد مثال‌هایی هست، می‌توان ادعا کرد که کل کاربردهای این فعل احصا گردیده‌است.

۹. از آنجا که در فیلم‌نامه‌ها عموماً در توصیف صحنه‌ها یا حالات بازیگران، از گونه نوشتاری و در دیالوگ‌ها از گونه گفتاری استفاده می‌شود، نگارندگان ترجیح دادند که از فیلم‌نامه در پیکره استفاده نمایند.

۱۰. شواهد بدون ارجاع، ساخته نگارندگان است.

۱۱. به فیلم‌نامه مسافران (بیضایی، ۱۳۶۸) با نام اختصاری «بم» اشاره شده‌است.

۱۲. به مجله موفقیت (ثقفی، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) با نام اختصاری «مو» و ذکر شماره مجله، اشاره شده‌است.

۱۳. بعضی از این اصطلاحات مثل «کاش» و «ان‌شاءالله» را می‌توان شبه‌جمله‌هایی در نظر گرفت که بند متممی می‌گیرند. شبه‌جمله‌ها صورت تقلیل‌یافته یک جمله کامل هستند و ممکن است خود یک متمم بندی بگیرند (طیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۳۶ و ۳۳۷).

۱۴. نام اختصاری فیلم‌نامه هیس، دخترها فریاد نمی‌زنند (درخشنده و بهرامی، ۱۳۹۳).
۱۵. با از بین رفتن وجه دعایی -مثل «دهاد» در جمله «خدا او را خیر دهد»- در فارسی امروز، وجه التزامی و دعایی صورتی یکسان یافته‌اند.
۱۶. نام اختصاری فیلم‌نامه آواز گنجشک‌ها (مجیدی، ۱۳۸۹).
۱۷. نام اختصاری فیلم‌نامه نسل سوخته (ملاقلی پور، ۱۳۷۹).
۱۸. به اعتقاد بسیاری از دستوردانان و زبان‌شناسان - مانند صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۸- فعل امر صرفاً دارای دو صیغه دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع است. به جز صیغه دوم شخص مفرد که دارای شناسه تهی است، بقیه صیغه‌های فعل امر با صیغه‌های فعل حال التزامی یکسان‌اند. چه برای امر دو صیغه در نظر بگیریم و چه شش صیغه، به هر حال شکی نیست که حال التزامی دارای شش صیغه کامل است و در صورتی که برای امر نیز شش صیغه قائل باشیم در پنج صیغه صورت‌های یکسانی خواهند داشت.
۱۹. از این فعل‌ها با عناوینی همچون فعل‌های «تک‌شخصه»، «یک‌شخصه» و ... نیز یاد شده- است (نک. جعفری، ۱۳۹۰: ۱۳۳-۱۳۴).
۲۰. درست است که حال التزامی در جملات ساده همیشه به حال یا آینده دلالت می‌کند، اما نمی‌توان زمان آن را مطلق دانست، چراکه در بعضی از کاربردهای دیگر مثل بندهای متممی و بعضی از بندهای قیدی این حکم صادق نیست.
۲۱. در بسیاری از تحلیل‌ها فاعل روستاختی این جملات پوچ‌واژه در نظر گرفته می‌شود (نک. درزی و تفکر رضایی، ۱۳۸۹؛ انوشه، ۱۳۹۳).
۲۲. ممکن است شواهد پیکره‌ما جامع نباشد و بتوان حروف ربط دیگری هم یافت که با فعل التزامی همراه می‌شوند. به نظر می‌رسد تبیین کاربرد حال التزامی از منظر دلالت زمانی از همین قواعد پیروی کند.
۲۳. «تا» در این جمله به معنای «تا زمانی که» به کار رفته است.
۲۴. نکته مهم در اینجا آن است که بندهای هدف با بندهای علت متفاوت‌اند. بندهای هدف لزوماً به بیان هدف گوینده از انجام عملی می‌پردازند که در بند پایه بدان اشاره شده و از آنجا که هدف از نظر زمانی متعاقب بند پایه است و به دلیل آیندگی نسبت به زمان جمله پایه غیرقطعی است، لزوماً به وجه التزامی ظاهر می‌گردد. اما بندهای علت چنین خاصیتی ندارند؛ «همه نامه‌ها رو پاره کردم چون/ به این علت که/ زیرا/ به دلیل اینکه فهمیدم همه حرف‌ها دروغ بوده». در بندهای علت، علت بر معلول مقدم است؛ یعنی از نظر زمانی بند پیرو قبل از بند پایه است اما در بندهای هدف، بند پیرو بعد از بند پایه است. بعضی از حروف ربط مثل «به دلیل اینکه» هم در بندهای علت ظاهر می‌شوند و هم در بندهای هدف. و به همین دلیل است که بندهای هدف ممکن است با بندهای علت خلط شوند. یکی از آسان‌ترین روش‌ها

برای تشخیص بندهای هدف این است که باید بتوان تمام حروف ربطی را که در این بندها به کار می‌روند، با «با این هدف که» جانشین کرد. اتفاقاً در بندهای قیدی علت، نمی‌توان از وجه التزامی استفاده کرد.

۲۵. ارزنگ (۱۳۸۷: ۱۷۴) یکی از کاربردهای حال التزامی را در جمله پیروی دانسته که «متمم هدف و نتیجه برای پایه باشد؛ می‌کوشم تا به جایی برسم».

منابع

- ابراهیمی، ح. ۱۳۸۸. نگارش پیشرفته (ویژه زبان‌آموزان غیرایرانی)، بی‌جا: حمید ابراهیمی.
- احمدی گیوی، ح. و ح. انوری. ۱۳۷۹. دستور زبان فارسی ۱، تهران: فاطمی.
- اخلاقی، ف. ۱۳۸۶. «بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز»، دستور، (۳): ۸۲-۱۳۲.
- اخلاقی، ف. ۱۳۸۹. «بررسی رده‌شناختی متمم‌افزایی در فارسی امروز»، دستور، (۶): ۱۰۰-۱۴۹.
- ارزنگ، غ. ۱۳۸۷. دستور زبان فارسی/امروز، تهران: قطره.
- اکبری، م. و م. ولی‌پور. ۱۳۹۵. «نقد و تحلیل انواع وجه فعلی در فارسی»، ادب فارسی، (۱): ۶-۱۵.
- انوشه، م. ۱۳۹۳. «ضمیر پوچ‌واژه‌ای پنهان در زبان فارسی: رویکردی کمینه‌گرا»، زیان‌شناسی و گویش‌های خراسان، (۱۱): ۲۹-۵۳.
- ایلخانی‌پور، ن. ۱۳۹۴. صفات وجهی در زبان فارسی، تهران: مرکز.
- باطنی، م. ۱۳۴۸. توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- بیضایی، ب. ۱۳۷۳. مسافران، تهران: روشنگران.
- بیضایی، ب. ۱۳۹۲. سگ‌کشی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ثقفی، س. ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶. موفقیت، ش ۳۲۶، ۳۴۵ و ۳۴۶.
- جعفری، ف. ۱۳۹۰. دستور کاربردی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغتنامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی.
- حبیب اصفهانی، م. ۱۳۸۹ق. دستور سخن، استانبول.
- حق‌شناس، ع. و همکاران. ۱۳۸۷. دستور زبان فارسی ویژه دوره کاردانی و کارشناسی زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم، تهران: مدرسه.
- خانلری، پ. ۱۳۷۷. دستور زبان فارسی، تهران: توس.
- خیامپور، ع. ۱۳۴۷. دستور زبان فارسی، تبریز: کتابفروشی تهران.
- دایی‌جوادی، ر. ۱۳۴۰. دستور زبان فارسی و راهنمای تجزیه و ترکیب، اصفهان: کتابفروشی تأیید.
- دبیرسیاکی، م. ۱۳۴۵. دستور زبان فارسی، تهران: علمی.
- درخشنده، پ. و م. بهرامی. ۱۳۹۳. همیس! دخترها فریاد نمی‌زنند، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- درزی، ع. و ش. تفکر رضایی. ۱۳۸۹. «پوچ‌واژه در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، (۲): ۵۷-۷۳.

- ذوالنور، ر. ۱۳۴۸. دستور پارسی، تهران: ارغنون.
- راسخ‌مهند، م. و همکاران. ۱۳۹۳. فرهنگ توصیفی نحو، تهران: علمی.
- رحیمیان، ج. ۱۳۹۰. «جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی در جمله‌های فارسی»، *زبان و زبان‌شناسی*، (۱۳): ۳۳-۵۰.
- رحیمیان، ج. و ع. خرمائی. ۱۳۹۸. «راه‌های بیان التزام و کاربردهای صورت‌های التزامی در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۹(۱۷): ۴۷-۵۷.
- رحیمیان، ج. و م. عموزاده. ۱۳۹۲. «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت»، *پژوهش‌های زبانی*، (۱)۴: ۲۱-۴۰.
- شفائی، ا. ۱۳۶۳. *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران: نوین.
- صادقی، ع. و غ. ارژنگ. ۱۳۵۸. *دستور سال دوم (آموزش متوسطه عمومی فرهنگ و ادب)*، تهران: سازمان کتاب‌های درسی.
- طالقانی، ک. ۱۳۵۲. *اصول دستور زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- طیب‌زاده، ا. ۱۳۸۵. *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادی جمله در فارسی امروز*، تهران: مرکز.
- طیب‌زاده، ا. ۱۳۹۱. *دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی*، تهران: مرکز.
- عابدی، م. و م. ولی‌پور. ۱۳۹۷. «نگاهی تازه به طبقه‌بندی جملات شرطی از منظر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان»، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی دوسالانه آرفا*، به کوشش رضامراد صحرايي و مهین‌ناز میردهقان، تهران: خاموش: ۳۴۹-۳۷۶.
- عموزاده، م. و ح. رضایی. ۱۳۹۱. «بررسی مفاهیم وجهی زمان دستوری در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبانی*، (۱)۳: ۵۲-۷۶.
- فرشیدورد، خ. ۱۳۸۲. *دستور مفصل امروز*، تهران: سخن.
- قریب، ع. ۱۳۳۸. *دستور زبان فارسی به اسلوب السنه مغرب زمین*، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- قریب، ع. ۱۳۵۵. *دستور زبان فارسی*، تهران: کتابفروشی مرکزی.
- کیارستمی، ع. ۱۳۶۸. *خانه دوست کجاست*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- لازار، ژ. ۱۳۸۴. *دستور زبان معاصر فارسی*، ترجمه مهستی بحرینی، توضیحات و حواشی هرمز میلانیان، تهران: هرمس.
- متولیان، ر. ۱۳۹۵. «بازنمایی نحوی افعال وجهی 'بایستن' و 'شدن' در زبان فارسی»، *جستارهای زبانی*، (۷)۷: ۱۲۵-۱۵۰.
- مجیدی، م. ۱۳۸۹. *آواز گنجشک‌ها*، تهران: نیستان.
- مشکور، م. ۱۳۵۳. *دستورنامه*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- ملاقلی‌پور، ر. ۱۳۷۹. *نسل سوخته*، تهران: نقش و نگار.

وحیدیان، ت. و غ. عمرانی. ۱۳۸۷. *دستور زبان فارسی ۱*، تهران: سمت.

- Comrie, B. 1985. *Tense*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dancygier, B. and E. Sweetser. 1996. "Conditionals, distancing and alternative spaces", in *Conceptual Structure, Discourse and Language*, Edited by Adele E. Goldberg; Stanford: Center for The Study of Language and Information, Pp: 109-136.
- Darzi, A. and S. Kwak. 2015. "Syntax and semantics of subjunctive clauses in Persian", *Lingua*, 153, 1-13.
- Giannakidou, A. 2013. "(Non) veridicality, evaluation, and event actualization: evidence from the subjunctive in relative clauses" in *Nonveridicality, Perspective, and Discourse Coherence*, M. Taboada and R. Tvranc (eds.), Leiden: Brill, Studies in Pragmatics Series.
- Givon, T. 2001. *Syntax*, Amsterdam: John Benjamins.
- Hiraiwa, K. 2001. "Multiple agree and defective intervention constraint in Japanese", *MIT Working Papers Linguist.* 40, 67-80.
- Landau, I., 2004. "The scale of finiteness and the calculus of control", *Natural Language & Linguistic Theory*, 22: 811-877.
- Noonan, M. 1985. "complementation", *Language Typology and Syntactic Description*, V2: *Complex Constructions*, Edited by: T. Shopen, Cambridge: Cambridge University Press, 42-140.
- Portner, P. 2009. *Modality*, Oxford: Oxford University Press.
- Reichenbach, H., 1947. *Elements of Symbolic Logic*. Berkeley: University of California Press.
- Taleghani, A. H. 2008. *Modality, Aspect and Negation in Persian*, Amsterdam: John Benjamins.
- Tavangar, M. and M. Amouzadeh. 2009. "Subjective modality and tense in Persian", *Language Sciences*, 31: 853-873.

The Role of Time Reference in Explaining the Present Subjunctive Functions in Contemporary Farsi

Mona Valipour^{1*}
Shafie Naeimayi Aali²

Received: 2019/08/25

Accepted: 2020/01/26

Abstract

In this research, in order to find a consistent explanation for all the uses of present subjunctive in Farsi, by relying on a corpus of 3000 sentences, we managed to extract and classify all the functions of present subjunctive. We concluded that present subjunctive is used both in the simple and (relative, adverbial and complementary clauses in) compound sentences. In the simple sentences as well as the relative clauses subjunctive making elements are usually considered to be semantic. The subjunctive making elements in complementary and adverbial clauses are the main clause verb and linking word respectively. The paper also employs Comrie (1985) and Reichenbach's (1947) tripartite distinction between speech time, event time, and reference time to show that present subjunctive has relative time. And also by choosing Darzi and Kwak (2015) approach in explaining the present subjunctive functions in complimentary clauses, we discussed its function in simple, relative and adverbial clauses in compound sentences. We concluded that reference time in simple and relative clauses is simultaneous with the speech time; such that these kinds of verbs necessarily refer to present or future. In the complementary clauses the main clause verb is considered to be the reference time of the present subjunctive verb. Reference time in the adverbial clauses, depending on the linking word, may be simultaneous with the speech time or main verb time. Whether the reference time is simultaneous with the speech time or main verb time, the subjunctive verb has got a "relative non-past time". In the other words, compared to the reference time it refers to the future or present.

Keywords: Mood, Tense, Subjunctive, Relative time, Reference time

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shahid Beheshti University

* Email: m_valipour@sbu.ac.ir

2. M.A. in Persian Language Teaching to Non-Persian Speakers, Allameh Tabataba'i University

1. Introduction

In linguistics, Modality is a phenomenon through which grammar allows talking about situations that are not essentially real. In other words, modality is a grammatical and semantic category which explains the speaker's attitude regarding the proposition and generally shows realis/irrealis distinction. The right way to discover modality is to begin with some of the features of language which most obviously involve modality. In all typological studies, there is a considerable variation in the ways in which languages deal with this category. Verbal mood is one of these ways which appears in the structure of the verb. Mood is an aspect of linguistic form which indicates how a proposition is used in the expression of a modal meaning. Modal forms are divided into three categories: sentential modality, sub-sentential modality and discourse modality. Verbal mood is included within sub-sentential modality. Sub-sentential modality operates below the level of proposition expressed by a complete sentence. It includes modal adjectives, modal nouns, propositional attitude verbs (verbs which take an argument which expresses a proposition), verbal mood, and infinitives among other types. Root and subordinate clauses with different verbal moods can be used to help represent various cognitive states and mental events, such as beliefs, desires, and dreams (Portner, 2009). Among the three distinctions of declarative, subjunctive and imperative verbal mood, the current study reviews the present subjunctive uses in positive sentences.

2. Theoretical Framework

Reichenbach (1947) refers to three points of "speech time", "event time" and "reference time" to determine time implications. Time has a deictic nature, and speech time is its reference point. In other words, relying on speech time, in all languages the time is divided into past, present and future. As Comrie has mentioned (1985), absolute time is a time that to determine we just need speech time and event time (as for absolute time, reference time and speech time are the same). However, this is not the case in all situations and if reference time point is defined by context or another element, we would have a Relative Time. In this study, relying on the threefold division suggested by Reichenbach and the difference between Absolute and Relative Time put by Comrie (1985), and also following the approach of Darzi and Kwak (2015) in determining subjunctive uses relying on the time implications, we review the uses of

this mood in simple sentences and relative clauses and adverbial clauses of compound sentences.

3. Methodology

The first step in this study was to extract and categorize all the applications of subjunctive mood in the contemporary Persian language. Thus, initially a corpus including 6 screenplays and volumes 326, 345 and 346 of *Movafaghiat* magazine were selected. Then, about 3,000 sentences were extracted in which present subjunctive was used. After that, based on the aforementioned theoretical framework, the data about the subjunctive mood were analyzed.

4. Results & Discussion

The results indicate that subjunctive present is used both in simple sentences and in relative clauses, complement clauses and adverbial clauses of compound sentences; however, the frequency of using subjunctive present in complement and adverbial clauses is much more than relative clauses and simple sentences. Simple sentences with subjunctive mood could be divided into three semantic groups: wishful, advising, and interrogative. In these sentences, “subjunctive making element” is necessarily semantic. However, in complement and adverbial clauses, respectively, the main verb and the conjunctive are subjunctive elements. Moreover, the adverbial clauses in which subjunctive verb is used, based on the semantic features of their conjunctives are divided into various groups, including adverbial clauses of time, purpose, negation, substitution, condition, etc.

5. Conclusions & Suggestions

In this research, in order to find a consistent explanation for all the uses of present subjunctive in Persian, by relying on a corpus of 3000 sentences, while considering the difference between relative time and absolute time, it was concluded that reference time in simple and relative clauses is simultaneous with the speech time; such that these kinds of verbs necessarily refer to present or future. The subjunctive making elements in complement and adverbial clauses are the main clause verb and conjunction respectively. However, the reference time in adverbial clauses, depending on the conjunction, may be equal to the speech time or time of the main verb. Whether the reference time is simultaneous with the speech time or main verb time, the subjunctive verb has got a

“relative non-past time”. In other words, compared to the reference time, it refers to the future or present (non-past).

Select Bibliography

- Akhlaghi, F. 2010. “A Typological Study of Complementation in Persian”, *Grammar*, 6: 100-149. [in Persian]
- Comrie, B. 1985. *Tense*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Darzi, A. & S. Kwak. 2015. "Syntax and Semantics of Subjunctive Clauses in Persian", *Lingua*, 153, 1-13.
- Lazard, G. 2005. *A Grammar of Contemporary Persian*, Translated by M. Bahraini, Tehran: Hermes. [in Persian]
- Portner, P. 2009. *Modality*, Oxford: Oxford University Press.
- Reichenbach, H. 1947. *Elements of Symbolic Logic*. Berkeley: University of California Press.
- Tabibzadeh, O. 2006. *Verb Valency and Basic Sentences Structures in Modern Persian*, Tehran: Markaz. [in Persian]
- Tavangar, M. & M. Amouzadeh. 2009. “Subjective Modality and Tense in Persian”, *Language Sciences*, 31: 853–873. [in Persian]